



«۲۲۶»

زبان و ادبیات فارسی ۲۰

زبان‌شناسی و زبان فارسی

پرویز نائل خانلری

فهرست مطالب

۱	یادداشت
۳	پیدایش زبان
۱۳	اختراع زبان و خط
۳۹	زبان و زبان‌شناسی
۵۷	زبان ایران
۷۷	تحول زبان
۸۷	تحول زبان فارسی
۹۵	زبان و جامعه (بחי از علم دلالت الفاظ)
۱۳۹	زبان و لهجه
۱۴۹	طرح تحقیق در لهجه‌های محلی
۱۶۵	دفاع از زبان فارسی
۱۸۳	زبان یاجوج و ماجوج
۱۹۱	لفظ عامه و لفظ قلم
۲۰۳	بیان
۲۱۱	نویسندگی

۲۲۱	بیماری الفاظ
۲۳۱	تدریس ادبیات فارسی
۲۴۱	درس فارسی
۲۴۹	خط و ربان
۲۵۷	زبان و خط
۲۶۵	درباره تغییر خط فارسی
۲۷۵	شیوه خط فارسی
۲۸۳	فهرست اصطلاحات، زبان‌ها و لهجه‌ها، اشخاص، اماکن

بیان این نکته که بحث در منشأ زبان از جمله مباحث زبان‌شناسی نیست ممکن است موجب حیرت شود. اما این معنی عین حقیقت است. توجه نکردن به این نکته سبب شده است که همه کسانی که از صد سال پیش تا کنون درباره پیدایش زبان گفتگو کرده‌اند یکسره به خطا بروند. نقص عمده کار ایشان آن بوده است که این معنی را از جنبه زبان‌شناسی مورد بحث فرار داده و پنداشته‌اند که مسأله پیدایش زبان با مبحث اصل و مبنای زبان‌ها یکی است.

زبان‌شناسان درباره زبانهائی که اقوام مختلف به آنها سخن می‌گویند یا به آنها می‌نویسند بحث می‌کنند و تاریخ این زبان‌ها را از روی قدیم‌ترین سندهائی که به دست آمده است مورد تحقیق قرار می‌دهند. اما هرچه در سیر این تاریخ به عقب بروند باز، با زبان‌های کامل سروکار می‌یابند که خود آنها سابقه‌ای ممتد دارند و ما به آن سابقه دسترسی نداریم. این گمان که به وسیله مقایسه زبان‌های موجود بتوان زبان نخستین را کشف کرد خیالی واهی است. شاید کسانی که صرف و نحو تطبیقی را به وجود آوردند چنین خیالی در سر می‌پختند. اما اکنون مدت‌هاست که دیگر این اندیشه متروک مانده است.

البته زبانهائی هست که از وجود آنها در زمانهائی قدیم‌تر از زبان‌های دیگر اطلاع داریم. بعضی از زبان‌های امروزی را در صورت کهنی که مربوط به بیست

قرن قبل است می‌شناسیم. اما زبان‌هایی که آثار آنها را از قدیم‌ترین زمان در دست داریم - یا چنانکه گاهی در اصطلاح گفته می‌شود «مادر زبان»ها - هیچ صفت «بدوی» ندارند. اختلاف این گونه زبان‌ها با زبان‌های امروزی تنها اطلاعاتی درباره چگونگی تحول زبان به دست می‌دهد؛ اما از چگونگی پیدایش زبان نمی‌توان به این وسیله خبری یافت.

مطالعه در زبان اقوام وحشی هم در این تحقیق به ما کمکی نمی‌کند. اقوام وحشی با بشر ابتدائی یکسان نیستند؛ و کسانی که درباره ایشان چنین تصویری دارند به خطا می‌روند. این اقوام گاهی به زبانی که ساختمان آن، مانند بعضی از زبان‌های ما، مشکل و درهم و پیچیده است سخن می‌گویند؛ اما بعضی از زبان‌های ایشان نیز در سادگی بر ساده‌ترین زبان امروزی پیشی می‌جوید. هر يك از این دو حال نتیجه تحولاتی به نظر می‌آید که آغاز و منشأ آن بر ما پوشیده است. اگر تفاوتی میان زبان قومی وحشی با زبان ملتی متمدن هست در معانی است نه در بیان. از مطالعه زبان‌های اقوام وحشی ممکن است اطلاعات سودمندی درباره رابطه اندیشه با گفتار به دست آورد؛ اما درباره صورت اصلی و ابتدائی زبان از آنجا اطلاعی حاصل نمی‌شود.

ممکن است کسانی حل این مشکل را در مطالعه زبان کودکان بجویند. این کوشش نیز بی‌ثمر است. از مطالعه گفتار کودکان می‌توان دریافت که نکات و قواعد زبان موجود چگونه کسب می‌شود؛ اما این کار از صورت زبان در آغاز پیدایش آن، به ما خبری نمی‌دهد. با توجه به کوشش‌های کودک برای تکرار آنچه از بزرگتران می‌شنود نکته‌های فراوان درباره علت تحولات زبان می‌توان آموخت. اما کودک آنچه را فرا گرفته است باز می‌دهد. یعنی عمل ذهن او تنها روی موادی است که اطرافیان برایش فراهم کرده‌اند و با این مایه است که کلمه و جمله را ترکیب می‌کند. کار کودک تقلید است نه ایجاد و ابداع؛ و در آن هیچگونه عمل خودبه‌خود و مبتنی بر اراده و صرافت طبع وجود ندارد. آن قسمت از گفتار او که خلاف سابقه و عادت است نیز نادانسته و ناخواسته است؛ و غالباً علت آن يك نوع کاهلی طبیعی